



در حاشیه گمانه‌زنی‌هایی که در خصوص افزایش قیمت اینترنت رسانه‌ای شده است.



نرخ‌های پرسرعت برای کیلوبایت‌های کم‌سرعت

همان طور که در جریان هستید زمزمه‌هایی مبنی بر گران شدن اینترنت به گوش می‌رسد و وزیر مربوط هم به اپراتورها تذکر داده است که اینترنت را گران نکنند. در این باره ذکر چند نکته ضروری است:



طنزپرداز
مهدی محمدی

بعضی می‌گویند چرا اینترنت بدون اینکه سرعت و کیفیتش بالا رفته باشد، پراگنده شده؟ آیا همین خوروکو نسبت به سال قبل ۴۰ درصد گران‌تر شده است. اگر گران‌تر آتانه بگیرید، ۴۰ درصد تندتر از پارسال حرکت می‌کند؟ انگار مثلاً وقتی نقد را گران‌تر از پارسال می‌خریم، شمشیر تر از قبل شده است یا مثلاً وقتی شیر گران می‌شود، مزه‌اش مثل بود. آخر این چه نوعی است که اینترنت چون افزایش قیمت داشته باشد، سرعت هم داشته باشد؟

د می‌کنیم با توجه به قیمت‌های جدید مدنظر اپراتورها، وزیر ارتباطات اینک به اپراتورها تذکر دهد، به بانک‌ها تذکر دهد که چرا ماهانه وام بدهند؟

خودتان بگویند دولت خودش هم علاقه ای به کاهش قیمت اینترنت چون هر قدر هم گران شود، ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده آن نیز وارد شود. این هم اشتباه است چون مالیات بسته اینترنت در مقابل بقیه می گیرد قطره ای است در مقابل دریا. دولت بیشتری خواهد اعتیاد کند.

توجه داشته باشند اینترنت مثل آدامس است. وقتی آدامس گران می شود، اندازه رفتن مزه آن هم آدم دلش نمی آید آن را دور بیندازد و چند بار دیگر نرسد. لذا با گران شدن اینترنت، می توانید هر بستی را در شبکه های اینترنتی با قیمت اینترنت برای آن یک چهارم تمام شود.

اهل دانلود فيلم هستيد، براي جبران افزايش قيمت، تا وسط فيلم نگاه بقيه فيلم را خودتان حدس بزنيد. چرا خودتان را دستكم مي گيريد؟

مظفر شما از نظر نويسنده فيلم نامه و كارگردان كم اهميت است. اگر هم به فيلم به ذهنتان نرسيد نگران نباشيد. تصور كنيد يك فيلم با پايان

يد.

تصویر، تاریخ می نویسد

یادی از خان بابا معتضدی، نخستین فیلم‌بردار حرفه‌ای سینما در ایران هم‌زمان با سالروز درگذشتش



می شناسد. هنوز بسیاری از مردم ایران فیلم را ندیده اند. نه تنها فیلم را ندیده اند که حتی آن را نمی شناسند. آن ها می توانستند فیلم را تلقی یک خوراک یا یک شهر در سئوی مریزا داشته باشند. باזה فیلم غریب است. در هفده سالگی خانواده. او را برای تحصیل به اروپا می فرستند. سال ۱۸۸۸ است و خان بابا در لوزان سوئیس زندگی می کند. سفر از تبریز به لوزان. سفری طولانی است اما ارزش را دارد. امکان های زیادی را پیش رویش قرار می دهد. بعد از دو سال. مدارک زبان های فرانسوی و انگلیسی را اخذ می کند و می تواند تا حد قابل قبولی به هر دو زبان صحبت کند. زبان فرانسوی آن قدر شیرینی و جادویی است که او را مجاب می کند بدنی دومین بار دست به مهاجرت بزند. این بار مقصد. فرانسه است و ساکن پاریس می شود. راجع الکترومکانیک می خواند و با پسر جوانی آشنا می کند که این رفاقت. همه چیز را زیرورو می کند.

«فیلم برداری» در راه ایران

خان بابا و کوژلستد رابطه صمیمی و نزدیکی

مریم شیعه | اهل تبریز است. در همان شهر به دنیا آمده است و همان‌جا هم قد کشیده. اولین بار ویرایی‌اش با بنای جادویی تصویر در هشت سالگی اتفاق می‌افتد. پدرش به او دستگاه کوچکی عجیبی هدیه می‌دهد که پیش‌تر مشابه آن را ندیده است. هدیه را از پدر می‌گیرد و چشمش به تصاویر غیرمترک روی دیوار می‌افتد. تصاویر بی‌شکل‌شان از دل آن دستگاه عجیب پیدای می‌شود. نامش لاترماژیک است. یک پوژوگتور اولیه که به نام فانوس جادویی هم شناخته می‌شود. یک منبع نور دارد و یک عدسی. تصاویر بر روی اسلایدهای شیشه‌ای نقاشی می‌شوند و وقتی جلوی عدسی قرار می‌گیرند، تصاویر بزرگ و روی سطوح ظاهر می‌شوند. فانوس جادویی یکی از اجداد سینماست. اختراعی جادویی اواسط قرن هفدهم میلادی بازمی‌گردد و مقدمه توسعه هنرهای بصری را ممکن می‌کند. اختراع بعدی مثل سینما توگراف از همین تکنولوژی ساده الهام می‌گیرند. چند سال بعد با چیزی به نام فیلم آشنا می‌شود. صنعت فیلم را همین‌جا و در ایران

بازاری در ساحل شلوغ دریا



عکس: میلاد سمنگانی / شهرار

خیابانی؛ البته که ذوق نامفهوم عوض کردن اسم‌ها، همین نام را هم از مشهدهای دروغ «کرده» است. خیابان دریای مشهد، حالا «خیابان وحید» شده که بازاری نام‌شناست برای مشهدهای بازاری در ساحل دریای اسطوره‌ای کشف رود.



مشهدی‌ها به رودخانه می‌گویند «دریا». این دریا گفتن البته‌که فقط مشهدی نیست، در همه خراسان، خراسان بزرگ تاریخی، هرجا رود و رودخانه‌ای بوده، دریا گفته می‌شده، مشهورش «آمودریا» که همان «جیخون» باشد از اسطوره‌ها مرز ایران و توران است. دریای مشهد هم همین «کشف رود» بوده که احتمالا در دوره‌هایی و در فصل‌هایی از آن سال‌ها، حسابی پر آب بوده، آن قدر که بشود دریا خواندن. از آن دریا، حالا چیزی به جا نمانده، جز همین رود فتنی که سرریز سیاب‌های شهر شده و جز جغای بی‌شتر از این. در حق تنهادرای مشهد؟ دریایی که از سوره‌ها خانه از نهایی بوده که سام، سام یک‌زخم، پدربزرگ رستم، به یک ضربه شمشیر، می‌کندش؛ همان ازهایی که مشهدی‌ها آن را در هیبت «ازدکوه» می‌دیدند که روزگار مدیدی است، سفت شده.

از دریای مشهد، حالا فقط نامی مانده روی



حسن احمدی فرد



عکس روز

یک سال از فقدان شهید خدمت گذشت

هم‌زمان با نخستین سالروز شهادت آیت‌ا... ابراهیم
رئیس، شهر حال و هوای متفاوتی به خود گرفته است.
در همه خیابان‌های مشهد پوسترها و بنرهای متعددی
برای گرامیداشت یاد شهید خدمت‌جانمایی شده است.



عکس: سعید گلی / شهرآرا
برای مشاهده گزارش تصویری
کد را اسکن کنید.

